





شناسایی و معرفی نگارگران و حامیان نسخه خطی شاهنامه فردوسی کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰

زهرا پاکزاد*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۹/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۱۹

چکیده

شاهنامه فردوسی محفوظ در کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰ متعلق به عصر صفویه است. با توجه به امضا و کاتب آن در تاریخ ذی قعدة ۱۰۱۲ ه.ق (۳۰ آوریل ۱۶۰۴ میلادی) به دست محمد جان الکرمانی کتابت آن به پایان رسیده است. این نسخه دارای ۵۵ نگاره بدون امضا و رقم است.

هدف از این پژوهش شناسایی و معرفی حامی، کارگاه و نگارگران آن است. به این منظور از طریق بررسی ویژگی‌های این نسخه همچون تذهیب، شیوه اجرایی نگاره‌ها و مقایسه تطبیقی و تاریخی آن با نسخ مشابه، هنرمندان، حامی و کارگاهی که این نسخه در آن تهیه شده است را شناسایی و معرفی می‌نماید. سوال اصلی این تحقیق حاضر آن است که کارگاه، سفارش دهنده و نگارگران شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰ چه کسانی هستند. روش این تحقیق بر پایه مقایسه تطبیقی، تاریخی و بررسی شیوه‌های اجرایی نگاره‌ها می‌باشد. برای این منظور از منابع مکتوب و اسناد تاریخی و کتابخانه‌ای استفاده می‌شود.

ویژگی‌های بصری نگاره‌های شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰، خصوصیات مکتب قزوین و اصفهان را نشان می‌دهند. با توجه به جایگاه حبیب‌الله ساوهای در آن مقطع تاریخی و تاثیر شیوه اجرایی او در نگاره‌های شاهنامه بی تردید می‌توان برخی از نگاره‌های آن را به وی منتسب نمود، سایر نگاره‌های این نسخه به شیوه محمد هروی اجرا شده است.

واژگان کلیدی

نگارگری ایران، مکتب قزوین، مکتب اصفهان، شاهنامه مصور، کتابخانه ملی فرانسه.

مقدمه

شاهنامه علاوه بر جایگاه ادبی ممتاز، مهم‌ترین منبع بررسی تاریخ نقاشی ایران است، زیرا نفیس‌ترین و بیشترین نسخه‌های مصور تاریخ نگارگری ایران از این کتاب حماسی است. شاهان و حاکمان ایرانی با سفارش تهیه و نسخه‌پردازی شاهنامه به هنرمندان برجسته و صاحب‌نام خود، برای خویش پایگاه فرهنگی طلب نموده و از این طریق مشروعیتی کسب می‌کردند و کتابخانه‌های سلطنتی با وجود شاهنامه‌های نفیس اعتبار می‌گرفت. مکتب هنری قزوین و اصفهان آکنده از نسخه‌های آراسته شاهنامه با نگاره‌های جذاب و دلنشین است. شیوه‌های سنتی ایرانی با نیازهای زمان انطباق می‌یابد. طبیعت‌گرایی و واقع‌گرایی موجود در مکتب نگارگری هرات در مکتب قزوین ادامه یافت. ترکیب‌بندی‌ها پیچیده‌تر و رنگ‌بندی‌ها و طراحی‌ها نیز رو به تکامل نهاد. صحنه‌های روزمره زندگی در این مکتب از موضوعات و مضامین پررونق به شمار می‌آمد. تک‌چهره‌ها، چهره جوانان دختر و پسر و نیز سالخورده‌گان تصویر شد.

نقاشی با نفوذ در بین لایه‌های مختلف جامعه اصفهان شیوع و انتشاری چشمگیر می‌یابد. حضور تصاویری از چوپانان، عاشق پیشگان، جوانان، درویش، گدایان، نوازندگان، رقاصان، شمشیرزنان و فرنگیان اندک نیستند. نگارگران با تصاویر این پیکره‌ها، مظاهر جامعه پیرامون و تعلق خاطر خود را نشان می‌دهند. یعنی سبکی نو و حاکی از قوت ابداع و خلاقیت آنها که منشا در جامعه زیستی ایشان دارد. تجمل و تفنن از خصوصیات مکتب اصفهان است. شوکت نمایی شاهان صفوی در صحنه‌های رزم و بزم، گلگشت و فضا‌های رویایی، رمانتیک و تزئینی می‌توان مشاهده کرد. این الگوهای آرمانی جلگی بر مبنای نمونه‌های عینی بوده‌اند.

نسخ متعددی از شاهنامه نفیس ایرانی در موزه‌های سراسر جهان نگهداری می‌شوند و بسیاری از جنبه‌های گوناگون آنها مورد شناسایی قرار نگرفته است و ابهاماتی در رابطه با کارگاه، حامی و نگارگران آنها وجود دارد. به همین دلیل برخی از پژوهش‌های محققین بررسی این گونه آثار است که با شیوه تطبیقی با سایر آثار مشابه و پژوهش در تاریخ خلق آنها پرده از ابهامات این نسخ خطی بر می‌دارند.

یکی از این نسخ خطی مصور، شاهنامه محفوظ در کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰ شعبه شرقی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف پژوهش حاضر معرفی حامی، سفارش‌دهنده نسخه و شناسایی نگارگران آن است. سؤال‌های این پژوهش بدین شرح است: ۱. ویژگی‌های بصری نگاره‌های این شاهنامه مربوط به کدام مکتب نقاشی ایرانی است؟ ۲. کارگاه، حامی و نگارگران این نسخه مصور کدام‌اند؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این جستار بررسی تاریخی و تطبیقی است. برای این منظور ابتدا نسخ مصور مشابه به لحاظ تاریخی معرفی می‌شوند و سپس از طریق مقایسه عناصر بصری نگاره‌های آنها با تصاویر شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰، کارگاه، حامی و نگارگران این نسخه مورد شناسایی قرار می‌گیرند.

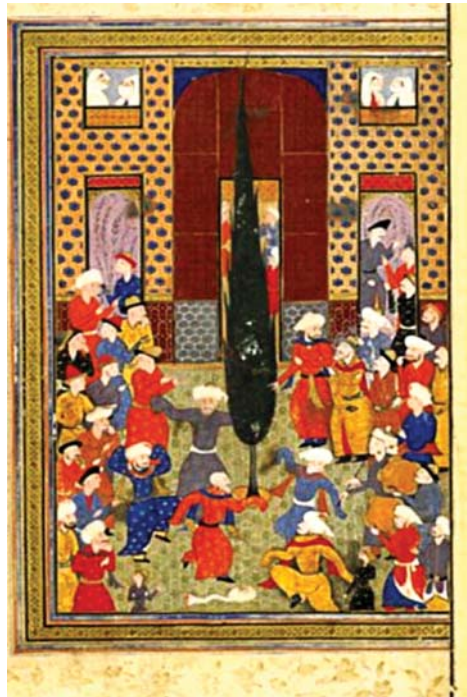
پیشینه تحقیق

شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه شعبه شرقی به شماره ۴۹۰ به تاریخ ۱۰۱۲ ه ق و به رقم محمدجان کرمانی برای اولین بار در کتاب فرانسویس ریشار به نام «جلوه‌های هنر پارسی» معرفی شده است ولی اطلاعات موجود در آن تنها در حد برگه فهرست‌نویسی کتابخانه‌ای بوده و از نگارگران، سفارش‌دهندگان و کارگاهی که این نسخه در آن تهیه شده است اطلاعاتی وجود ندارد. در ادامه فرانسویس ریشار به نقل از سچوکیان در همان کتاب می‌نویسد «سچوکیان معتقد بود که این نقاشی‌ها اثر هنرمندان مختلف آن روزگار در شیراز و قزوین هستند» (ریشار، ۲۰۳، ۱۳۸۳). در این پژوهش، به منظور شناسایی نگارگران این نسخه خطی، شاهنامه مصور شاملو (محفوظ در کاخ نیاوران) که از نظر سبک و شیوه اجرایی و همچنین زمان تاریخ تولید با شاهنامه مورد نظر مشابهت دارد، مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

ابوالفضل ذابح در معرفی شاهنامه شاملو در کتابچه‌ای با عنوان «پرده‌برداری از شاهنامه منحصر بفرد شاملو» از شاهنامه‌ای سخن می‌گوید که خوشنویس آن محمد جان کرمانی است و تاریخ رقم آن مربوط به ۱۰۰۸ ه ق است و نگاره‌های آن را منسوب به سبک مکتب نقاشی اصفهان می‌داند. حسینی راد در مقاله خود به نام «معرفی شاهنامه شاملو متعلق به کاخ موزه نیاوران» نگارگران این نسخه را محمد هروی و حبیب‌اله ساوهای (ساوچی یا مشهدی) معرفی نموده است.

از آنجاکه شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه با فاصله چهار سال پس از شاهنامه شاملو تهیه و تولید شده است، همچنین کاتب این دو نسخه، محمد جان کرمانی است می‌توان با مقایسه نگاره‌های آنها، به شناسایی کارگاه، حامی و نگارگران شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه دست یافت.

معرفی شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰
«نگارش این منظومه معروف فردوسی، چنانکه از ترقیمه ورق ۴۶۹ نسخه بر می‌آید در اواخر ذی قعدة ۵۱۱۲ ه ق (۳۰ آوریل ۱۶۰۴ م) به دست محمدجان کرمانی به پایان رسیده است. این نسخه به خط نستعلیق و دارای ۴۷۰ برگ در اندازه ۲۷/۵ × ۳۹/۵ سانتی متر است و اشعار در



تصویر ۲. رقص درویش در باغ سلطنتی، شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه، شعبه شرقی فارسی، شماره ۴۹۰، مأخذ: همان



تصویر ۱. پادشاه در حمام، شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه، شعبه شرقی فارسی، شماره ۴۹۰، مأخذ: Shanama project

۳۰ سطر در صفحه دوستونی نگارش شده‌اند. تذهیب‌های ورق‌های ۲ پشت و ۳ (صفحه مزدوج) ورق‌های ۳ پشت و ۴ (صفحه مزدوج) آغازین متن با آرایه‌ای از توده‌های ابر بر روی زمینه طلایی با نقش‌های گیاهی (آرایه‌های عنوان‌ها و دیگر تزیینات (که ویژگی آن‌ها زمینه طلایی و دسته‌های گل است) همه به سبک شیراز در آن روزگار هستند. همچنین نقاشی‌های ورق‌های ۱ پشت و ۲ که ربطی به محتوی متن شاهنامه ندارند، نقاشی ۴۶۹ پشت (صفحه‌ای از حمام عمومی) (تصویر ۱) و در ورق ۴۶۷ (رقص درویشان زیر درخت سرو) (تصویر ۲) که آن‌ها نیز به محتوی متن مربوط نیست، تأثیر و نقش مکتب قزوین را در نسخه‌پردازی و نگاره‌های این شاهنامه نشان می‌دهند.» (ریشار، ۲۰۳، ۱۳۸۳)

این نسخه علاوه بر این چند تصویر توصیف شده، دارای ۵۰ نگاره دیگر نیز می‌باشد که بدون تردید در زمان دیرتر از نگارشدن نقاشی شده‌اند و سبک آنها کاملاً متفاوت از ه نگاره اول است. ایوان سچوکین معتقد است که «نقاشی‌های شاهنامه ۱۰۱۲ ه. ق اثر هنرمندان مختلف آن روزگار و مربوط به مکتب شیراز و قزوین می‌باشد.» (Stchoukine, 1964, p208). مهرورق ۴۷۰ پشت، نشان می‌دهد که این نسخه در دوران شاه عباس اول در اختیار صاحب منصب هرات و از وزرای وقت بوده و در جریان تصرف هرات به دست حاتم بیگ و سپس فرزند وی به نام میرزا طالب خان نصیری اردوباری «واقع‌نویس» در

۱۰۴۱ ه. ق) قرار گرفته است. این نسخه در اوایل سده سیزدهم ه. ق به تملک کتابخانه ملی فرانسه در آمد. (ریشار، ۲۰۳، ۱۳۸۳)

مشخصات شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰ مشخصات این شاهنامه در هیچ یک از کتب فهرست نسخ خطی نیامده است، تنها فرانسویس ریشار در کتاب «جلوه‌های هنر پارسی» در حد برکه شناسه کتابخانه‌ای از آن سخن گفته است و آن شامل جلد، اندازه، تعداد صفحات و کاتب و رقم و تاریخ و شرح مختصر از تعداد نگاره‌های آن است. سچوکین نیز در کتاب هنرمندان زمان شاه عباس «در مورد نگاره‌های آن که متعلق به مکتب شیراز و قزوین می‌باشد سخن گفته است. ولش در کتاب خود «هنرمندان شاه» از دو نسخه شاهنامه تصور شده و زیبا و نفیس که در کارگاه هرات نوشته است و تاریخ و رقم یکی ۱۰۰۸ ه. ق و دیگری ۱۰۱۲ ه. ق می‌باشد می‌گوید «هر دو نسخه شاهنامه به خط نستعلیق است و شیوه نگارش آنها چندان متفاوت نیست، همچنین نگاره‌های آنها از نظر سبک و اسلوب شباهت‌های زیادی را نشان می‌دهد» (Welch, 1976, 104). از آنچه مورخان و نسخه شناسان در مورد کتابت نگاره‌های شاهنامه ۱۰۱۲ ه. ق کتابخانه ملی فرانسه گفته‌اند می‌توان نتیجه گرفت که این شاهنامه در کارگاه هرات کتابت شده است و با توجه به خصوصیات نگاره‌های آنکه شیوه قزوین و اصفهان را نشان می‌دهد با فاصله چند ساله



تصویر ۴. بر تخت نشستن ملکه بلقیس، شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه،
شعبه شرقی فارسی، شماره ۴۹۰، مأخذ: همان



تصویر ۳. بر تخت نشستن سلیمان نبی (ع)، شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه،
شعبه شرقی فارسی، شماره ۴۹۰، مأخذ: همان.

اند. ادامه متن شاهنامه در صفحات بعد از سر لوحکتابت شده اند. تمامی صفحات دارای جدول کثی با ابعاد ۲۵۰×۱۳۵ سانتی متر است. هر صفحه دارای دو ستون و ۳۰ سطرو ۵۸ بیت شعر است. ورق‌های ۶۱، ۱۷۲ و ۴۳۴ از وسط صفحه‌ها کنده شده‌اند که با توجه به کلمات رکامه پایین صفحه‌های راست نسخه و مغایرت کلمات شروع صفحه‌های چپ، قابل تشخیص است. (همان).

در کارگاه سلطنتی اصفهان مصورسازی شده است. آنچه از مهرها و امضای اشخاص در صفحه آستر بدرقه مشاهده می‌شود، شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه ابتدا به یکی از وزرای شاه عباس تعلق داشته و در تاریخ ۱۰۴۱ ه ق به میرزا طالب خان نصیری واقعه نویس وزیر اعظم شاه صفی تعلق یافت و سرانجام در اوایل قرن ۱۳ ه ق به تملک کتابخانه ملی فرانسه در آمد.

نگاره‌های شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه

در ورق ۱ مجلسی دولت قرار دارد که بارگاه حضرت سلیمان نبی (ع) و ملکه بلقیس را تصویر کرده اند. در ورق ۱ سمت راست سلیمان نبی (ع) در میان چند تن از نزدیکان خود دیده می‌شود از جمله آصف وزیر، یک منشی، چند مرد، تعدادی دیو، حیوانات زمینی مختلف و سیمرغ و پرندگانی که معمولاً تخت سلیمان دیوان را حمل می‌کنند. در پایین پای حضرت و در پشت چادر و بارگاه سلیمان نظاره گر بر صحنه ترسیم شده اند. ورق ۲ سمت چپ، بلقیس ملکه سبا، در میان تعدادی فرشته، ندیمه و جن و پری دیده می‌شود. (تصاویر ۳ و ۴). دیدار ملکه سبابا سلیمان در قرآن کریم (سوره نمل آیات ۱۷ تا ۴۴) نقل شده و موضوع آن در بسیاری از متون کهن مربوط به تاریخ پیامبران بازتاب یافته است و در نسخه‌های خطی مصور یاد شده، داستان سلیمان و تصاویر مربوط به وی از جایگاه ویژه برخوردار است. افزودن دو مجلس رزم و بزم در ابتدای شاهنامه‌های مصور، سنتی است که از گذشته دور در شاهنامه نگاریم رسوم بوده است، مانند شاهنامه

سرلوح نسخه

شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه (۱۰۱۲ ه ق) با جلدی از جنس چرم حنایی گاو، و عطف آن از جنس چرم سرخ صحافی شده است. متن شاهنامه در صفحه سرلوح، در دو ستون، که بین آنها طلا اندازی و دندان موشیو محرر شده آغاز می‌شود. تذهیب‌های ورق‌های ۲ پشت و ۳ (صفحه مزدوج) ورق‌های ۳ پشت و ۴ (صفحه مزدوج آغازین متن یا آرایه‌ای از توده‌های ابر بر روی زمینه طلایی با نقش‌های گیاهی) آرایه عنوان‌ها و دیگر تزیینات (که ویژگی آنها زمینه طلایی و دسته‌های گل است)، همه به سبک شیراز در آن روزگار هستند. سر لوح دارای رنگ‌های گرم از جمله قرمز، اکر، قهوه‌ای و لاجوردی رنگ است. این شیوه‌از رنگ آمیزنیمه دوم سده ۹ ه ق، در کتاب‌آرایی بیشتر به کار رفته است. (ریشار، ۲۰۳، ۱۳۸۳).

در جدول کثی‌ها لاجوردی در کنار زریه‌ن محرر و قرمز تند قرار گرفته است. سر عنوان‌ها با رنگ طلایی روی زمینه‌های سفید با اسلیمی‌های ظریف لاجوردی، قرمز و طلایی در وسط حاشیه‌های مذهب مرصع نگاشته شده



تصویر ۵: از سمت راست به ترتیب: نگاره ملکه بلقیس، شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۹۰، مأخذ: همان. نگاره مجلس جشن و طرب، محمد هروی، مکتب قزوین، کتابخانه ملی فرانسه، مأخذ: خزایی، ۱۳۷۸، ۲۳۵. نگاره رودابه دختر مهرباب در باغ، مکتب قزوین و اصفهان، شاهنامه کاخ موزه نیاوران.

در شاه عباس اول بوجود آمد و از آنجا که وی مدتی در هرات اقامت کرد دور از ذهن نیست که با هنرمندان چیره دستکارگاه هرات آشنا شده و ایشان را با خود به قزوین و سپس به اصفهان برده باشد زیرا اسکندر بیک شرح اقامت شاه را چنین بیان می‌کند «شاه عادل و سپهر رکاب، طوایف ازبک را راند و آسایش مردم بازگردانید و امارت بلخ و سایر ولایات خراسان را آباد نمود از جمله میمند و فاریاب را خرم داشته است» (ترکمان، ۹۸۰، ۱۳۵۰). مطلب دیگر آنکه فاصله زمانی کتابت دو نسخه شاهنامه ۱۰۰۸ ه.ق در (کاخ موزه نیاوران) و شاهنامه ۱۰۱۲ ه.ق در (کتابخانه ملی فرانسه) چهار سال است از این رو احتمالاً ابتدا شاهنامه ۱۰۰۸ ه.ق به شاه عباس اول هدیه شده و در مدت اقامت وی در هرات کتابت شاهنامه ۱۰۱۲ ه.ق در همان کارگاه آغاز شده است. حال با تأکید بر گفته سچوکین در کتاب «هنرمندان دوره شاه عباس» که در مورد شاهنامه ۱۰۱۲ ه.ق (کتابخانه فرانسه) می‌گوید: «نقاشی‌های این شاهنامه اثر هنرمندان مختلف است و با کتابت آن فاصله زمانی دارد» (Stcho-kine, 1964, 209).

فرانسس ریشار نیز در کتاب «جلوه‌های هنر پارسی» در معرفی شاهنامه ۴۹۰ با تاریخ (۱۰۱۲ ه.ق) به همین نکته اشاره کرده است و پنجاه نگاره از این نسخه مصور را متعلق به زمانی دیرتر از کتابت آن می‌داند «چهار نگاره اول بامتن شاهنامه مربوط نیست اما پنجاه نگاره لایه لای متن از داستانهای شاهنامه هستند» (ریشار، ۲۰۳، ۱۳۸۳). از این نوشته‌ها چنین بر می‌آید که شاهنامه ۱۰۰۸ ه.ق در کارگاه هرات کتابت شده است و در همان کارگاه هرات مصورسازی شده و نگاره‌های آن نیز به پایان رسیده است، اما شاهنامه ۱۰۱۲ ه.ق در کتابخانه هرات

(۷۳۱ و ۷۳۳ ه.ق) ولی این مجالس عموم شامل یک رزم و یک بزم است (Brend & Melville, 2010, 209).

حامی و سفارش‌دهنده شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه در زمان عثمانی‌ها قبایل ترک در حلب، بعد از شیخ جنید در راه طریقت اردبیل پای نهاد و در صف مریدان ایشان قرار گرفتند و در شکل‌گیری حکومت صفوی نقش اساسی ایفا نمودند. از زمان شاه اسماعیل صفوی، تا چند نسل مقام امیرالامرای یافتند (سومر، ۱۳۷۱، ۵۹-۶۰). شاه عباس اول نیز به حمایت علیقلی‌خان والی هرات و طایفه شاملو و با پشتیبانی ایشان به سلطنت رسید.

اسکندر بیک ترکمان در تاریخ عالم آرای عباسی نوشته است «در سال ۱۲ سلطنت شاه عباس اول ۱۰۰۷ ه.ق حسین خان ترکمان (شاملو) را به امیرالامرای کل خراسان برگزید و دارالسلطنه هرات را به وی واگذار نمود» (ترکمان، ۱۳۸۷، ۴۳۲) اسکندر بیک در ادامه شرحی کامل از شرایط حاکمیت و شیوه اداره امور توسط حسین خان نوشته است و می‌گوید شاه عباس اول پس از مدتی به مشهد سفر کرد و به دارالسلطنه هرات رفت. «شاه عالمیان و سپهر عاشیان در باغ شهر نزول فرمودند و حسین خان با اشراف و بزرگان استقبال نمودند و هدایایی نفیس و در خور عرضه داشتند و در آن میان کتب نفیس تقدیم بارگاه نمودند.» (ترکمان، ۱۳۵۴، ۵۹۸). حسینی راد در مقاله خود با عنوان معرفی شاهنامه شاملو می‌گوید «شاهنامه کاخ موزه نیاوران به تاریخ ۱۰۰۸ ه.ق احتمالاً در این تاریخ به شاه عباس اول به عنوان هدیه تقدیم شده است» (حسینی راد، ۴۷، ۱۳۹۲).

با تأکید بر این دو مطلب می‌توان گفت اشتیاق و زمینه لازم برای سفارش شاهنامه دیگر با این کیفیت و خصوصیت



تصویر ۶. از سمت راست به چپ، نگاره انوشیروان تخته نرد را به جای شطرنج به راجای هندی می‌دهد (شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰) مأخذ: همان، نگاره چوپان (اثر محمد هروی)، کتابخانه ملی فرانسه، مأخذ: همان، ۲۳۶، نگاره رودابه دختر مهرباب در باغ، شاهنامه کاخ موزه نیاوران.

(محمد شفیع، ۲۳۴، ۱۹۶۷).

در کتاب «تذکره هفت قلمی» نوشته غلام محمد هفت قلمی از جانی ابن محمد قاسم سخن به میان آمده است «جانی ابن محمد قاسم از خوشنویسان ماهر و نادره عصر خود بود و نستعلیق را به استادیرسانیده» (هفت قلمی، ۲۳۴، ۱۳۷۷) در رقم‌های به جای مانده از محمد جان الکرمانی «ابن محمد» آمده است، بنابراین قاطعانه می‌توان محمد جان الکرمانی را با آنچه هروی و هفت قلمی ذکر کرده‌اند یکی دانست. نجیب مایل هروی در کتاب خود به نام «کتاب آرایبی در تمدن اسلامی» در معرفی کارگاه هرات در زمان حسین خان ترکمان می‌نویسد «حاکم هرات مردی آگاه و صاحب خرد و بس استوار بود و حامی هنرمندان، هنروران و خطاطان، در زمان وی نسخ ارزشمند و فاخر به رشته تحریر در آمد و به صورتی آراسته مصور شد از جمله شاهنامه‌ای به خط نستعلیق و بسیار خوش که آن رامحمد الکرمانی کتاب نمود» (مایل هروی، ۱۲۵۳، ۱۳۷۲).

هنرمندان شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه

نگاره‌های این نسخه فاقد رقم و امضا می‌باشد، اما از شیوه اجرایی و سبک و سیاق آنها می‌توان پی برد که حداقل سه یا چهار هنرمند، نقاشی‌های این نسخه را بر عهده داشته‌اند. از آنجا که این نسخه در سال ۱۰۱۲ ه قو در مرکز هرات کتابت شده استاز برجسته‌ترین نگارگران آن عصر در این خطه از حیب الله ساوهای می‌توان نام برد که حاکم وقت حسین خان ایشان را از قم به هرات برد و سرپرستی کارگاه هرات را به وی سپرد، و پس از آن به خدمت شاه عباس اولدر آمد و در قزوین و سپس در اصفهان مشغول به کار شد. و لاش در کتاب خود «شاه

کتابت آن آغاز شده و با فاصله زمانی چند سال (فاصله انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان) در زمان شاه عباس اولدر کارگاه سلطنتی اصفهان نگاره‌های آنبه پایان رسیده است. حسین خان ۱۹ سال در منصب ولایت خراسان جای داشت و به سبب شایستگی او پس از مرگش پسرش حسن خان ترکان شاملو به امیرالامرای خراسان منصوب شد. در زمان حاکمیت این پدر و پسر چند نسخه شاهنامه کتابت و مصور شد. سایر کتب مورد توجه ایشان اشعار عبدالرحمان جامی و خمسه نظامی نیز بود. با توجه به شواهد تاریخی ذکر شده به نقل از اسکندر ترکمان، نجیب مایل هروی، سچوکین می‌توان نتیجه گرفت که شاهنامه ۱۰۰۸ ه ق محفوظ در کاخ موزه نیاوران شاهنامه ۱۰۱۲ ه ق محفوظ در کتابخانه ملی فرانسه تحت نظارت هنرمندان یک کارگاه تهیه و نسخه پردازی شده است. شباهت نگاره‌ها به لحاظ ساختار و شیوه اجرایی نیز دلیلی برای اثبات این ادعا است و از سوی دیگر نام کاتب این دو نسخه شاهنامه مصور که محمد جان الکرمانی است، این احتمال را قوت می‌بخشد.

کاتب شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه

رسم الخط این شاهنامه بسیار زیبا است و بر اساس ترقی مه ورق ۶۹ به دست محمد جان الکرمانی در ذی قعدة ۱۰۱۲ ه ق به اتمام رسیده و رقم خورده است. در کتاب مهدی بیانی با عنوان «احوال و آثار خوشنویسان» نامی از محمد جان الکرمانی آورده نشده است. مولوی محمد شفیع در کتاب «هنروران خط و خطاطان» از محمد جانی نام برده است. «وی در دارالحکومه در نزد والی هرات جایگاهی بس بزرگ داشته استو رسم الخط وی به غایت زیبا و خوش بوده و به شیوه هروی کتابت می‌نمود»

در آنجا آموختن سبک‌های رایج کارگاه‌هایی همچون هرات، شیراز و قزوین، توشته‌ای پر بار برای او فراهم آورد. در نتیجه حبیب الله ساوهای در کارگاه هرات در زمان حاکمیت حسین خان، نقش اساسی در ایجاد تغییرات و تحولات سبک‌ها و شیوه‌های نگارگری ایفا نمود و در بوجود آمدن زمینه‌های انتقال تجربیات و سبک و شیوه نگارگران مکتب قزوین به مکتب اصفهان تاثیر بسزا داشته است، به همین دلیل تاثیرات سبک هرات، قزوین و اصفهان در نگاره‌هایی که توسط این هنرمندان اجرا شده است کاملا مشهود می‌باشد. خصوصیات برخی از نگاره‌های شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه (۱۰۱۲ ه ق) نیز شیوه کار نقاشان قزوین و اصفهان را نشان می‌دهد و با آثار حبیب الله ساوهای شباهت بسیار دارد و می‌توان هنرمند آنها را یکی دانست.

سچوکی نیز نگاره‌های نسخه شاهنامه مصور ۱۰۱۲ ه ق کتابخانه ملی فرانسه را اثر هنرمندان شیراز و قزوین می‌داند و می‌گوید «نگاره‌های شاهنامه ۱۰۱۲ ه ق (کتابخانه ملی فرانسه) از نظر سبک و سیاق طراحی و اجزاز آثار هنرمندان شیراز و قزوین هستند» (St- choukine, 1964, 280). بنابراین اگرچه نقاشی‌های این نسخه فاقد امضا و نام نقاش هستند، می‌شود برخی از نگاره‌های آن را به حبیب الله ساوهای نسبت داد. از سوی دیگر مهارت وی در چهره پردازی و شبیه سازی درجه‌ای از استادیرسیده که شاه عباس وی را از هرات به قزوین می‌برد. احتمالا شاه عباس اولبا دیدن نگاره‌های شاهنامه ۱۰۰۸ ه ق (محفوظ در کاخ موزه نیاوران) که توسط حبیب الله ساوهای اجرا شده بود و حاکم وقت هرات حسین خان آن را به شاه اهدا نموده، بیش از پیش با این هنرمند چیره دست آشنا شده و او را با خود به پایتخت قزوین و سپس به اصفهان برد.

نقاش دیگر شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه را می‌توان محمد هروی معرفی نمود که در اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری قمری در هرات فعال بوده است. به گفته کریم زاده تبریزی «محمد هروی چهره پردازی چیره دستو در شبیه سازی نظیر و نادره است» (کریم زاده تبریزی، ۱۱۰۳، ۱۳۷۰). همچنین مصطفی عالی افندی در کتاب «مناقب هنروران» از محمد هروی به عنوان نقاش ماهرو یگانه در کارگاه هرات نام می‌برد و او را هنرمند خاصه و قرب یافته نزد حسین خان ترکمان معرفی می‌نماید: «محمد هروی شاگرد محراب به مرتبه استادی رسیده و باهر الایجاداست» (عالی افندی، ۱۰۴، ۱۳۶۹). از کارهای رقم دار او طرحی در یک مرقع به شماره ۱۵۷۲ متعلق به کتابخانه گیومه پاریس است و یک چشم انداز کوهستانی با تعدادی پیکره را نشان می‌دهد و رقم محمدی مصور را دارد. (ریشار، ۲۲۳، ۱۳۸۳). میان چهره‌ها و پیکره‌های این طراحی با برخی از نگاره‌های



تصویر ۷. (سمت چپ) گشتاسب با کتایون در قصر قیصر، شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰، مأخذ: همان، (سمت راست) نگاره رودابه دختر مهرباب در باغ، شاهنامه کاخ موزه نیاوران.

عباس و هنرمندان اصفهان» می‌نویسد: «او در هرات در خدمت عباس میرزا بود و همراه او به قزوین منتقل شد و از نقاشان دربار به شمار می‌آمد. حبیب الله ساوهای از جمله هنرمندانی بود که در کتاب آرای منق الطیر شرکت داشت و نگاره‌های او در این نسخه توانایی قلم و توانمندی و ذوق او را نشان می‌دهد. او در ساخت و پرداخت شاهنامه فردوسی برای شاه عباس هم دست داشت و نه نگاره از این نسخه را رقم زد. از قرار معلوم میرزا محمد شریف، وزیر شاه عباسیر این پروژه نظارت داشته است» (Welch, 1973, 983). با توجه به شواهد تاریخی منظور ولش از شاهنامه مورد نظر همین شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه (۱۰۱۲ ه ق) است. زیرا ولش آشکارا از انجام پروژه تحت نظارت وزیرشاه عباس سخن می‌گوید و مشخص می‌کند این شاهنامه در کارگاه سلطنتی اصفهان یا قزوین صورت گرفته است. قاضی احمد قمی نیز در کتاب خود «گلستان هنر» نوشته است: «مولانا حبیب الله ساوهای مردی بغایت آدمی صفت و درویش است در شبیه کشی نظیر ندارد از ساوه به قم آمد و مدتی در قم به چهره کشی مشغول بود و در چاپکی و چرب دستی انگشت نمای جهان شد و روز به روز در ترقی است. نواب حسین خان حاکم قم او را ملازم ساخته به هرات برد. نواب کامیاب سپهر رکاب، شاه عادل او را از حسین خان گرفته حالا در دار السلطنه اصفهان به خدمت همایون اشتغال دارد و در سلک نقاشان خاصه شریفه جای دارد» (قمی، ۱۵۱، ۱۳۵۹). قاضی احمد قمی می‌نویسد: به دلیل اقامت طولانی ساوجی در خراسان او را حبیب اله مشهدی نیز گویند. (قمی، ۱۳۶۶، ۱۰۸). از آنچه قاضی احمد قمی گفته است چنین بر می‌آید که مهاجرت این نقاش از ساوه به قم و کسب تجربه و شهرت در آنجا و پس از آن سفرش به هرات به همراه حاکم وقت حسین خان ترکمان و آشنایی با شاه عباس اول و سپس همسفرشدنش با او و رفتن به قزوین و اقامتی چند ساله



تصویر ۸. نگاره دیدار خسرو پرویز و شیرین در مقابل عمارت (شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰) مأخذ: همان، نگاره جوان تفنگ به دست، حبیب اله مشهدی، مکتب اصفهان، موزه دولتی برلین بخش هنر اسلامی، مأخذ: آرژند، ۱۳۸۵، ۱۷۴

همچنین طرح لباس، گره شال کمر، دستارهای مردان و لچک زنان شباهت‌های بسیاری را نشان می‌دهد. همچنان که این شیوه طراحی و اجرای نگاره‌ها از خصوصیات و ویژگی‌های آثار محمد هروی است (تصویر ۵).

سه نگاره چوپان (اثر محمد هروی)، انوشیروان تخته نرد را به جای شطرنج به راجای هندی می‌دهد (شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه) و نگاره رودابه دختر مهرباب در باغ (شاهنامه کاخ موزه نیاوران) به لحاظ شیوه طراحی پیکره‌ها، چهره‌ها و دستارهای مردان شباهت‌های بسیاری را نمایان می‌سازد و این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که تمامی این نگاره‌ها در یک کارگاه و توسط یک هنرمند مدیریت و اجرا شده است. (تصویر ۶).

این نگاره نیز شیوه طراحی پیکره زنان و مردان، همچنین طرح لباس، لچک و دستارها، شیوه محمد هروی را نشان می‌دهد. از دیگر خصوصیات آثار این هنرمند صورت‌های گرد و کوچک، قامت بلند زنان نسبت به مردان بیش از پیش این فرض را به اثبات می‌رساند که محمد هروی در تهیه و اجرای نگاره‌های این نسخه مشارکت داشته است. همچنان که این خصوصیت تصویری در نگاره‌های شاهنامه کاخ موزه نیاوران دیده می‌شود (تصویر ۷).

در نگاره دیدار خسرو پرویز و شیرین در مقابل عمارت (شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه)، چهره دو تن از پیکره‌های این دو نگاره (مردی که در درگاه درب ایستاده و ملازم خسرو پرویز) شباهت بسیاری را با نگاره حبیب اله مشهدی، جوان تفنگ به دست، نشان می‌دهد. حالت ایستاده و وضعیت قرار گیری پیکره مرد در درگاه درب و گره شال کمر او این شباهت را بیش از پیش نمایان می‌سازد. این نکته قابل توجه یعنی به کارگیری دو شیوه اجرایی محمد هروی و حبیب اله مشهدی (ساوه ای) در یک نگاره همکاری آنها را در یک کارگاه نسخه پردازی آشکار می‌سازد (تصویر ۸).

شاهنامه (۱۰۱۲ ه ق) کتابخانه ملی فرانسه شباهت زیادی دیده می‌شود به ویژه پیکره‌های زنانه با قامت بلند و صورت‌های گرد کوچک و سربندها با کلاه مخصوص خصوصیتی است که از طریق آن می‌توان گفت که نگارگر آنها همان محمد هروی شاگرد محراب باشد. این شیوه اجرایی از خصوصیات نگارگری مکتب قزوین است. ویژگی، سبک و شیوه محمد هروی در نگاره بارگاه سلیمان و ملکه بلقیس در شاهنامه ۱۰۱۲ ه ق کتابخانه ملی پاریس کاملاً نمایان است. (تصویر ۴)

گرچه نگاره‌های این نسخه بدون امضا می‌باشد اما بسیاری از پژوهشگران مانند سچوکین و ریشار سبک و سیاق نگاره‌های آن را متعلق به نگارگران سبک شیراز، قزوین و اصفهان می‌دانند. به هر حال نگاره‌های این نسخه دوره انتقال مکتب قزوین به اصفهان را نشان می‌دهد. با انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان و جابه جایی کارگاه سلطنتی به مرکز جدید فرهنگ و هنر، میراث تحولات مکتب قزوین در اواخر سده دهم به شهر اصفهان منتقل شد. تغییر و تحولات در آثار هنرمندان قزوین همچون اصغر کاشانی، صادقی، محمدی و رضارخ نمود. این نسخه شاهنامه نیز در بستر این تغییر و جابه جایی شکل گرفته و ساخته شد، به همین دلیل شیوه اجرایی نگاره‌های آن پیوندی آشکار با آثار نقاشان او اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم ه قدر قزوین و اصفهان را نشان می‌دهد. در واقع خلاقیت هنرمندانی که تا حوالی سال ۱۰۰۶ ه ق در کتابخانه سلطنتی هرات و پس از آن در قزوین فعال بوده اند، در مکتب اصفهان به شکوفایی رسیده و از سوی دیگر در هرات و در کتابخانه حسین خان و حسن خان (ترکمان) حامیان نسخ مصور نیز دنبال شد و مورد حمایت قرار گرفت. در مجموع قلم چند نگارگر در نقاشی‌های شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه مشاهده می‌شود که مهم‌ترین آنها حبیب اله ساوه‌ای یا مشهدی و محمد هروی هستند که شیوه اجرایی ایشان در نگاره‌های این نسخه قابل تشخیص است. نگاره‌ها با پیکره‌های درشت و دستارهای بزرگ از خصوصیات و ویژگی‌های پیکره نگاری مکتب اصفهان (صفویه) است. این شیوه اجرایی در آثار حبیب اله ساوه‌ای (مشهدی) دیده می‌شود و شباهت آنها را با نگاره‌های شاهنامه کتابخانه فرانسه اثبات می‌کند.

در برخی از نگاره‌ها زنان قد بلند و کشیده اندام ترسیم شده‌اند و قامت آنها در مقایسه با پیکره مردان بلندتر به نظر می‌آید، این خصوصیت در آثار محمد هروی دیده می‌شود. در صخره نگاری، چهره پردازی، کشیدن اسب‌ها و رنگ آمیزی ظرافت در طراحی و اجرا و ترکیب بندی‌های سنجیده به همراه تذهیب زیبا در این نسخه خطی مصور، نشان از ارزشمندی، نفاست و کم نظیر بودن این شاهنامه در آن روزگار است.

مقایسه نگاره‌ها

این سه نگاره از نظر طراحی چهره و پیکره زنان و مردان،



نتیجه

این پژوهش به سوالات مطرح شده در ابتدای نوشتار (شناسایی کارگاه، حامی و نگارگران نسخه مصور شاهنامه) اینگونه پاسخ می‌دهد که شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه به شماره ۴۹۰ به تاریخ ۱۰۱۲ ه.ق مربوط به اوایل سده ۱۱ ه.ق در زمان انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان شکل گرفته و در آغاز تحولات و دگرگونی‌های هنر نسخه پردازی و نگارگری، تهیه و ساخته شده است. گرچه کتابت آن در هرات به دست محمد جان الکرمانی و به حمایت و سفارش حاکم وقت، حسن خان شاملو به پایان رسیده است اما نگاره‌های آن در شهر اصفهان زمانی دیرتر از نگارش متن آن، نقاشی شده اند. نگاره‌های این شاهنامه بدون رقم و فاقد نام هنرمند است اما با توجه به شواهد مکتوب تاریخی و در مقایسه با نسخ مشابه مصور و تک نگاره‌های محمد هروی و همچنین نگاره‌های شاهنامه کاخ موزه نیاوران (نگاره رودابه دختر مهرباب در باغ و نگاره انوشیروان و شطرنج، نگاره ملکه بلقیس) متعلق به محمد هروی است و نگاره دیدار خسرو پرویز و شیرین در مقابل عمارت متعلق به حبیب اله مشهدی است، پس می‌توان این دو هنرمند را که از نقاشان نام آور آن روزگار بودند را به عنوان نگارگران این نسخه معرفی کرد.

منابع و مأخذ

- اسکندر بیگ ترکمان. ۱۳۵۰. تاریخ عالم آرای عباسی. به تصحیح و اهتمام ایرج افشار. تهران: امیر کبیر.
- اسکندر بیگ ترکمان. ۱۳۸۷. تاریخ عالم آرای عباسی. تنظیم و مقدمه ایرج افشار. تهران: امیر کبیر.
- اسکندر بیگ ترکمان. ۱۳۵۴. تاریخ عالم آرای عباسی. به اهتمام ایرج افشار. تهران: امیر کبیر.
- حسینی راد، عبدالمجید. ۱۳۹۲. «پژوهشی برای معرفی شاهنامه مصورشاملو، کاخ موزه نیاوران»، مجله هنرهای زیبا، دوره ۱۸، شماره ۴.
- ریشار، فرانسیس. ۱۳۸۳. جلوه‌های هنرهای پارسی، نسخه‌های نفیس ایرانی قرن ۶ تا ۱۱ ه.ق موجود در کتابخانه ملی فرانسه. ترجمه روح بخشان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سومر، پرفسور فاروق. ۱۳۷۱. نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی. مترجمین احسان اشراقی و محمد تقی امامی. تهران: نشر گستره.
- عالی افندی، مصطفی. ۱۳۶۹. مناقب هنروران. ترجمه دکتر توفیق سبحانی. تهران: سروش.
- غلام محمد هفت قلمی. ۱۳۷۷. تذکره هفت قلمی. تهران: سروش.
- قاضی احمدی قمی. ۱۳۵۹. گلستان هنر. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: منوچهری.
- کریم زاده تبریزی، محمد علی. ۱۳۷۰. احوال و آثار خوشنویسان قدیم ایران، ج ۳. لندن: ساتراب.
- مایل هروی نجیب. ۱۳۷۲. کتاب آرای تمدن اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مولانا محمد شفیع. ۱۹۶۷. هنروران و خط و خطاطان. تصحیح احمد ربانی. لاهور: انتشارات مجلس ترقی ادب.
- Brend, Barbara & Melville, Charles. 2010. Epic of the persian kings the art of Ferdowsis' shahnameh the Fitzwilliam museum university of Cambridge.
- Stchoukine, Ivan. 1964. Les peintures Des Manuscrits De shah abbas 1 A La fin Ded safavis, librarice orienta liste paul geuthner, paris.
- Welch, Antony. 1976. Artists for theshah. yale university press New Hawen & London.
- Welch, Antony. 1973. shah abbas and the Arts of Isfahan, New York.



- Iraj Afshar, Tehran, Amirkabirpress.
- Iskandar Beik, Torkaman .2008. The history of Aalam Araye Abbasi, Correction and effort by Iraj Afshar, Tehran , Amirkabir Press.
- Karimzade Tabrizi, Mohammad Ali, 1991, biography and works of calligraphers Ancient persian. Volume 3, London, satrap press.
- Mayel Heravi, Najib. 1993, book illustration of Islamic civilization Mashhad, Research Fundation of Astane Quds Razavi.
- Molana Mohammad Shafi, 1967, Artisans, calligraphy, calligraphers, corrected by Ahmad Rabani, Lahore, Majles Taraghi Adab press.
- Qomi, Ghazi Ahmad. 1980. Golestan-e Honar. corrected by Ahmad Soheili Khansari, Tehran , Manouchehri Press.
- Richard Francis, 2004. Persian art effects, Iranian exquisite manuscripts, 6-11th century AH (1106CE_1688CE). Available in Francenational library, translated by Ain Rouh bakhshan, Tehran, printing and publishing organization of ministry of culture and Islamic guidance.
- Soumer, professor Farough. 1992. Role of Anatolian Turks in foundation and development of Safaviddynasty, translated by Ehsan Eshraghi and Mohammad Taghi Emami, Tehran, Gostareh Press.
- Stchoukine, Iran, 1964, peintures Des Manuscript De Shah Abbas 1 A La Fin Ded Safavis, Librairie orientale stepaulgeuthner, Paris.
- Welch, Antony , 1973, Shah Abbas and the Arts of Isfahan, Newyork.
- Welch, Antony , 1976, Artists for the Shah, Yale university press , New Hawen and London.



comparatively and historically with similar copies, artists, patron, and the workshop in which this version has been created. The main question of the present research is that, “what is the ordering workshop”, and “who are the illustrators” of Shahnameh of National Library of France, numbered 490. The methodology of this research is based on a comparative, historical comparison and reviewing of the executive methods of the illustration. For this purpose, written references, and historical and library documents are used. It is concluded that both manuscripts were transcribed under supervision of the same workshop artists. The similarity between paintings in terms of structure and executive method also support this claim. On the other hand, the name of the writer of these two illustrated copies of Shahnameh, i.e. Mohammad Jan Al-Kermani, reinforces this probability. The scribe of this copy has not signed it, but from its execution method and its style and register we can find out that at least three of four artists, have cooperated in creating the paintings of this copy.

Since this copy is transcribed in 1012 AH and in Herat City, as one of the most prominent painters of this era, we can name Habibullah Savoji. The ruler of that era took him from Qom to Herat and assigned the responsibility of the workshop to him. After that, he was recruited by Shah Abbas I and began his work first in Qazvin and then in Isfahan. Welch in his book “Shah Abbas and Isfahan Artists” writes “He was in the service of Abbas Mirza in Herat and was transferred to Qazvin along with him and was considered one of the court painters”. The visual features of the illustrations of Shahnameh of French National Library represent the characteristics of the Qazvin and Isfahan schools. Considering the position of Habibollah Savoji at that historical period and the influence of his operational method on the illustration of this version of Shahnameh, some of its illustrations can be undoubtedly attributed to him; other illustrations of this version were performed in the manner of Mohammad Heravi. In fact, creativity of the artists who have been active by 1006 AH in royal library of Herat and then in Qazvin, has flourished in Isfahan school, and on the other hand, is followed and supported in Herat and in the library of Hossein Khan and Hassan Khan (Turkman), two patrons of illustrated manuscripts. In sum, cooperation of several painters can be seen in the paintings of the Shahnameh existing in National Library of France. Two of the most notable of these painters are Habibullah Savoji (Mashhadi) and Mohammad Heravi, whose manner of execution is recognizable in this copy of Shahnameh.

Keywords: Persian Miniature, Qazvin School, Isfahan School, Illustrated Shahnameh, National Library of France

References:

Alifandi, Mostafa, 1990. Managheb-e Honarmandan, translated by Tophigh Sobhani, Tehran, Soroush Press.

Brend, Barbara and Melville, Charles, 2010, Epic of the Persian Kings the art of Ferdowsi's Shahnama the Fitzwilliam Museum University of Cambridge.

Haft Qalami, Ghulam Muhammad, 1998, The Tazkiraikhushnavisan, Rozaneh Press.

Hosseini Rad, Abdolmajid. 2013. Research to introduce illustrated Shahnama of Shamlou, Niavaran palace complex, Fine arts, 18(4).

Iskandar Beik, Torkaman. 1971. The history of Aalam Araye Abbasi, Correction and effort by Iraj Afshar, Tehran, Amir Kabir Press.

Iskandar Beik, Torkaman. 1975. The history of Aalam Araye Abbasi, Correction and effort by

Identifying and Introducing the Painters and Patrons of Ferdowsi's Shahnameh Preserved in the National Library of France and Registered under Number 490

Zahra Pakzad, Assistant professor and Faculty Member, Department of Painting, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran

Received: 2016/11/30 Accepted: 2017/9/10



The Shahnameh of Ferdowsi, kept in the National Library of France, registered under number 490 and transcribed by Mohammad Jan Al-Kermani in 1012 AH, was first introduced in “Manifestation of Persian Art” by Francis Richter, but the data presented there has been limited to a library registration form that merely referred to the painters, orderers, and the workshop where this copy of the book was produced. Quoting Stchoukin, Richter writes in the same book that “Stchoukin believes these paintings are the works of numerous artists of that era in Shiraz and Qazvin”. Transcription of this well-known poetry book by Ferdowsi, as it can be found out from the signed page of the book, page 469, was performed in the late Dhu al-Qidah of 1012 AH (April 30, 1604 AD). This copy includes 50 paintings that without doubt have been painted later than the texts, considering that their transcription and style are entirely different from the first five paintings. The specifications of this copy of Shahnameh are not mentioned in any of the manuscript books listing, except for Francis Richter’s book. Richter believes that fifty paintings existing in this illustrated copy belong to a time later than its transcription. “The first four paintings are not related to the Shanameh’s text, but the fifty other ones inserted into the Shahnameh manuscript correspond to the Shahnameh stories”. This manuscript is described compared to the 1008 AH copy of Shahnameh kept in Niavaran palace-museum. The 1008 AH copy of the Shahnameh is transcribed and illustrated in Herat workshop, while transcription of the 1012 AH Shanameh has begun in Herat library, but its paintings have been completed some years later (the interval between transferring the capital from Qazvin to Isfahan) in the era of Shah Abbas I in a royal workshop in Isfahan.

The purpose of this research is to identify and introduce the patron, workshop and its illustrators. For this purpose, this research identifies and introduces this version, through the examination of the features such as illumination, the method of painting of the illustrations and comparing it,